

رزمندگان انقلاب، تاپیروزی نهایی بر تجاوزگران صدامی، قهرماناناه می جنگند

درود پر شور بر پاسداران انقلاب، بر نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران و به همه هموطنانی که با قهرمانی و نثار جان خود، آماده اند تا دشمن تجاوز کار را از خاک میهن انقلابی بیرون برانند

از جبهه های جنگ با تجاوزگران صدامی در غرب و جنوب کشور، بیای اخبار شادی بخشی می رسد. موافق این اخبار، رزمندگان دلاور انقلاب در جبهه های نبرد بویارو با دشمنی که به اشاره و حمایت دشمن اصلی خلق های جهان-امپریالیسم آمریکا، بومطن انقلابی ما حمله کرده است، در یک تهاجم غافلگیرکننده، ضربات جدی زده اند و عملیات گسترده ای را برای بیرون راندن دشمن تجاوز از خاک میهن آغاز کرده اند.

آغاز عملیات تهاجمی ایران علیه دشمن تجاوزکار، که با هماهنگی کامل پاسداران انقلاب، نیروهای سه گانه ارتش و نیروهای مردمی انجام شده است، بخشی دیگر از حماسه آفرینی خلق قهرمان ایران در جبهه های جنگ تحمیلی به ایران است.

تورالدین کیانوری
پیرمیش و پاسخ
شاید مبارزه
صدامی با ایست
و تقصیر
دمکراسی
مردمی تکمیل
یکدیگرند



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۴۵
پنجشنبه ۱۸ دی ۱۳۵۹، مطابق با
اولیاء اول ۱۴۰۱، به ۱۵۰ ریال

امام خمینی:
ایران
وابسته
به هیچ جا
نیست
و این بهترین
چیزی است که
جمهوری اسلامی
آورده

روز سه شنبه ۱۶ و ۱۷ آذر ۵۹ آقای
محمدعلی رجایی نخست وزیر و
تمام اعضای کابینه به حضور
امام خمینی، رهبر انقلاب بونیان-
گذار جمهوری اسلامی ایران،
رسیدند.

امام خمینی در بیانات خود در
بازه مسائل مختلف کشور، از
جمله اظهار داشتند:

... مردم گوش ندهند به
حرف اینها که می گویند دولت
هیچ کاری نکرده و نمی تواند هیچ
کاری بکند... مردم باید بفهمند
که دولت چه کرده است برایشان
انجام می دهد.

امام خمینی گفتند: «انشاءالله
این جنگ هم بزودی تمام بشود
و انطوری که امروز صبح هم
حتی گفته شد، پیشرفت زیاد بوده
است و من امیدوارم که دنبال
بشود این وضع و آرام بشود
مملکت، گرچه آنها نمی گذارند
به این زودی ما آرام بگیریم.
ممکن است یک جای دیگر یک
فسادی بکنند، لکن شما و ما
مصمم باشیم. ملت ما باید مصمم
باشد به اینکه آن چیزی را که
بدمست آورده از دست ندهد.»

امام خمینی گفتند: «حالا باید
ادارات بروی مردم باز باشد و
با آغوش باز مردم را بپذیرد.
دردهایی که مردم دارند بتوانند
بگویند و آنها هم گوشش کنند
در این که حل بشود مسائلشان.
که مردم احساس کنند که یک
دولت است مال خودشان است
و برای خودشان دارد خدمت
می کند.»

امام خمینی گفتند: «آیا در
جای دیگر یک همچنین چیزی
سراغ دارید تا بیایند و بگویند
اینجا با زمان شاه فرقی نکرده.
خوب باید آدم اینقدر بی اوصاف
باشد که بگوید حالا با زمان شاه
فرقی نکرده.»

امام خمینی گفتند: «حالا ما
وابسته به غیر نیستیم. البته یک
بقیه در صفحه ۲

ضرورت پاکسازی، بگونه ای دیگر

در مقامات حساس انقلاب رخته
دهند، تا رامیندان انقلاب شوند.
فراموش نکنیم که بختیار
سالها در صفوف جبهه ملی ذخیره
شد و بی استوار کرد، تا در
موقعیت مناسب، بتواند یک درج
مبارزه سلطنت منور پهلوی را
نجات دهد. فراموش نکنیم که
شده انقلابی های «نامداری» نظیر
تزیه و امیراتظام و مقدمه راه ای
از صفوف سازمانهای ایزدزیسیون
بیرون آمدند، و پس از انقلاب،
بیدلیل بسواقی مبارزاتی شان و
یا حتی بدون آن، براس مقامات
حساس قرار گرفتند، همانها که
امروز یا دزدندان اند و یا در
خارج از کشور همکارچیم و
اویسی و ازهارای و لاجی اندربرای
در هم شکستن نظام جمهوری اسلامی
ایران.

شیوه عمل امپریالیسم برای
رخته در صفوف مبارزان ضد -
امپریالیست، و جنبشها و انقلاب -
ببقیه در صفحه ۷

بایروزی انقلاب، پاکسازی در
ادارات دولتی و سطوح ارتشی،
هر چند با تاخیر و ناپیگیری تو اگر چه
یا کم و کاستی ها و زیاده روی ها،
بگونه ای انجام شد: عده ای از
سواراگرهای شناخته شده و افراد
وابسته به رژیم طاغوت و ضد -
انقلابی های فراری، برحسب شدت
جرم و فساد و زیانکاری شان، یا
منفصل و یا بازتستنه و بازخرید
شدند.

اما دشمنان انقلاب و نظام
جمهوری اسلامی ایران محدود به
این گروهها نیست و طیفی برآب
گسترده تری دارد. خطرناکتر از
این گروههای شناخته شده،
عواملی از دشمن اند که ناشناخته
مانده اند. اینان چه بسا اقصاد
خوشنامی (!) هستند که امپریالیسم
و سازمانهای جاسوسی اش، آنان
را برای دروزماده ذخیره کرده اند،
تا در لحظات حساس، این مهره
های دست آموز را در صفحه
شطرنج سیاست به پیش برانند و

آمریکا همیشه مشغول توطنه علیه انقلاب ایران بوده، هست و خواهد بود

بهراد نبوی وزیر مشاور در
امور اجرائی و سخنگوی دولت،
بعد از ظهر روز گذشته، در
یک مساجه مطبوعاتی، به نقش
عناصر سودجو و منتقل طلب در
اقتصاد ایران اشاره کرد و گفت:

«هر چه دولت بخواهد در زمینه
مسائل اقتصادی نقش فائوری را
بصحنه گیرد، این عناصر، که
منافع خودشان را در عدم کنترل
دولت به اقتصاد مملکت می-
بینند، ناراحت می شوند.»

وی همچنین، ضمن اشاره به
ورد هشت نمایندگان دولت
الجزایر به ایران و ارشاد پیش نهادی
در مورد «گروگنبا» گفت:
«آمریکا همیشه مشغول توطنه
بقیه در صفحه ۲

در ادامه تهاجم گسترده نیروهای انقلاب تجاوزگران صدامی، در اکثر جبهه های جنوب و غرب مجبور به عقب نشینی شدند

☆ فرزند هواپیمای تجاوزگران صدامی در منطقه اهواز سرتگون شد.
☆ دشمن در منطقه گیلان قرب، چندین کیلومتر عقب رانده شد.

در ادامه تهاجم وسیع و
بیروزمندانه نیروهای مسلح
جمهوری اسلامی ایران به
تجاوزگران صدامی، دشمن با
تحمل ضربات سنگین مجبور به
عقب نشینی در اکثر جبهه های

رفیق محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش را آزاد کنید!

در ماههای پیش، سرکوب کمونیست های بنگلادش یار
دیگر فروزی گرفته است. نزدیک به ده ماه پیش، رفیق محمد
فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش،
همراه با پنج تن دیگر از اعضای کمیته مرکزی و کمیته های
ایالتی حزب دستگیر شد.

چندی بعد، در پرتو اعتراضات گسترده نیروهای میهنی
و دمکراتیک، در بنگلادش و در سراسر جهان، دولت بنگلادش
مجبور شد که پنجاه رفیق نامبرده را آزاد سازد، ولی همچنان
از آزادی رفیق فرهاد حتی بقید کفالت، خودداری ورزید.
چنین می نماید که دولت بنگلادش قصد دارد رفیق محمد فرهاد
را برای مدتی طولانی پشت میله های زندان نگاه دارد.
چنانکه کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش به
کمیته مرکزی حزب توده ایران اطلاع داده است، وضع
مزاجی رفیق محمد فرهاد بسیار وخیم و نگران انگیز است.
ما، ضمن اعتراض شدید نسبت به سرکوب نیروهای
مترقی و دمکراتیک در بنگلادش و ابراز همبستگی با قربانیان
اختناق در آن کشور، خواهان آزادی فوری و بلاشرط رفیق
محمد فرهاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش
هستیم.

به هشدار باش سپاه پاسداران انقلاب پاسخ مثبت دهیم

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در
ارتباط با توطنه های امپریالیسم جنایتکار آمریکا در داخل
کشور برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران، طری
اطلاعی های از همگان دعوت کرده است که، هرگونه اطلاع یا
خبر در مورد فعالیت های عمال ضد انقلاب و نیز فعالیتها و رفت
و آمدهای مشکوک را، از طریق شماره تلفن ۸۳۱۱۱۱، به دفتر
خبر ستاد مرکزی سپاه پاسداران اطلاع دهند.

«نامه مردم»: ما خشنودی خود را از هشداریات سپاه
پاسداران انقلاب، که گویای هوشیاری نیروهای مسئول و مدافع
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطنه های امپریالیسم
آمریکانست، اعلام میداریم و از همه اعضای و هواداران حزب
میخواهیم که به این هشداریات و توصیه منتشره در آن
پاسخ مثبت دهند و مانند همیشه، صمیمانه در جهت کشف و
خنثی کردن توطنه های عمال آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا،
با سپاه پاسداران انقلاب همکاری کنند.

خود کفایی
مالی تا تر در
ایران یا کمک
مالی و فنی
دولت به تا تر

صفحه ۶

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

پیام سازمان جوانان توده ایران به اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین (کویس) بمناسبت شانزدهمین سالگرد انقلاب فلسطین

دوستان عزیز! اول ژانویه، سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین را از طرف همه جوانان انقلابی ایران، و از جمله اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران به شما و از طریق شما به همه مردم و جوانان و دانشجویان فلسطینی صمیمانه تبریک می گویم.

مبارزه عادلانه مردم فلسطین برای بازپس گرفتن اراضی اشغالی، کسب خودمختاری و تشکیل دولت مستقل فلسطینی، از پشتیبانی همه نیروهای صلحدوست و ترقیخواه جهان و از جمله مردم و جوانان انقلابی ایران برخوردار است. تقویت و تسلیح دولت صهیونیستی اسرائیل به معنای یکی از پایگاه های مهم تجاوز امپریالیستی در منطقه خاورمیانه، یکی دیگر از توطئه های تنگین امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای درهم شکستن جنبش رهایی بخش خلق های این منطقه است. از همین رو همبستگی یکجاریافته همه مردم این منطقه در مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در دستور کار انقلابیون خاورمیانه قرار دارد.

مبارزه دلیرانه مردم و جوانان فلسطینی زیر رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین، تنها نماینده واقعی و قانونی خلق فلسطین علیه صهیونیست های اسرائیلی، الهام بخش همه انقلابیون ایران است. در این راه هزاران نفر از جوانان دلاور فلسطینی شهید شده اند، اما خلق فلسطین از نبرد عادلانه خود دست نکشیده و نخواهد کشید. اقدامات مذبحخانه رژیم تروریستی تل آویو در دوران اخیر، چون ایجاد شهرک های یهودی نشین در فلسطین اشغال شده، اخراج شهرداران فلسطینی از موطن خود، گلوله باران جنوب لبنان و کمک به نیروهای راست گرای مسیحی و سرگرد شورش سید حداد در لبنان، همه و همه نمایانگر عجز این رژیم ضد خلقی در مقابل پیکار دلاورانه خلق فلسطین است.

امپریالیست های آمریکایی، رژیم صهیونیستی تل آویو و رژیم

خود فروخته سادات می کوشند با سرهم بندی قرارداد خائنه کمپ دیوید و کشاندن پای دیگر رژیم های ارتجاعی عرب، چون اردن، به این قرارداد، مبارزه مردم فلسطین را منحرف و سرکوب کنند. اما خلق فلسطین و همه نیروهای مترقی و دموکراتیک منطقه و جهان ماهیت این تشبیهات خائنه را رسوا کرده و با آن به مقابله می رازند. دوستان عزیز!

انقلاب های ایران و فلسطین حلقه های از زنجیر واحد مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم هستند. امپریالیسم جنایتکار آمریکای برای درهم شکستن انقلاب شکوهمند چین، دژ مستحکم صدام را به تجاوز به ایران واداشته است. این توطئه خائنه به تشبیهات موجود در منطقه خاورمیانه دامن زده، افکار عمومی مردم منطقه را از توجه به مبارزه عادلانه خلق فلسطین منحرف می کند و امکانات مادی عظیم دو خلق برادر ایران و عراق را، که باید در راه احقاق حقوق فلسطینی ها و مبارزه با امپریالیسم به کار گرفته شود، به باد می دهد. خلق ما این بار نیز توطئه امپریالیسم را با شکست روبرو خواهد کرد و با گام های بلند در راه تعمیق انقلاب خود و کمک به انقلاب فلسطین گام برخواهد داشت.

سازمان جوانان توده ایران به مناسبت اول ژانویه، سالگرد آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین، بار دیگر همبستگی رزمجویانه خود را با مردم و جوانان فلسطینی و اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی، ابراز می دارد و برای آنان در پیکار عادلانه خود آرزوی موفقیت می کند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا! تنگ و نفرت بر رژیم صهیونیستی اسرائیل! پیروزیاد مبارزه عادلانه خلق فلسطین!

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۱۰/۱۰

تجاوزگران...

بقیه از صفحه ۱

نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز)، به گردان تانک قاصدیه در منطقه سوسنگرد، یورش برده و تلفات عده های به گردان مزبور وارد ساختند. ۳- قهرمانان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تجمع نیروهای دشمن در منطقه چغیر و حمیدیه را مورد حمله قرار داده و بمباران کردند. این دلاران، افزون بر تلفات انسانی که به دشمن وارد آوردند، تعدادی

خودرو و کامیون مزدوران تجاوز را نیز به میزان ۸۰ درصد نابود کردند.

۴- بر اثر اجرای آتش یگان های خودی به نیروهای دشمن در محور دارخوین - مارد، یک تیفه خمپاره انداز، یک دستکاه تانک، یک دستکاه خودرو و ۳ سنگر مزدوران به آتش کشیده شد. ۵- علاوه بر ۲ فروند میگ و یک فروند هلیکوپتر مهاجم عراقی، که خبر سقوط و انهدام آنها در روز ۱۶ دیماه ۵۹ طی اطلاعیه ۳۶۳ به آگاهی رسیده است، ۲ فروند میگ تجاوز دیگری نیز در منطقه اهواز مورد

رزمندگان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

بدنیال حمله تجاوزگران صدامی به خاک ایران، هر چند در ابتدا نیروهای ایران عقب نشینتند و بخشی از خاک میهن به تصرف دشمن درآمد، اما طولی نکشید که خلق رزمنده ایران، به بهای خون گرومی از بهترین فرزندان خود، راه پیشرفت را بردشمن بست و به خیال داوردسته صدام، که صرف برق آسای خوزستان بود، میر پائل زد. از این پس تویت حمله برای بیرون راندن دشمن از خاک میهن بود. در یک ماه گذشته، بایتنکه چندبار وعده حمله به دشمن داده شد، ولی متأسفانه این امر انجام نشد. به تعویق افتادن حمله به دشمن، که به درازا کشیدن جنگ را بدنیال داشت، و در نتیجه امکانات بیشتری را در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار میداد، تابوتاند فشارهای گوناگون بر ایران وارد کند، سبب نگرانی جدی نیروهای انقلابی میهن شده بود. این نگرانی در تلگرام آیت الله منتظری به رئیس جمهوری ابراز شد و بدنیال آن مردم قهرمان ایران در رامیمانی ها و قطنامه ها، خواستار آغاز تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به دشمن متجاوز شدند.

خوشبختانه این امر حیاتی عملی شد و رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، روز ۱۵ دی ۵۹، تهاجم گسترده خود را به دشمن آغاز کردند و موافق اعلامیه های ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و پیام رئیس جمهوری به امام خمینی و سخنان حجت الاسلام خامنه ای، امام جمعه تبران و نماینده امام در شورای عالی دفاع، ضربات جدی بردشمن وارد آوردند. حزب توده ایران، مانند همه مردم انقلابی ایران، ضمن ابراز خوشحالی از این پیروزی نیروهای رزمنده انقلاب، امیدوار است که این حملات ادامه یابد و هر چه زودتر خاک میهن انقلابی ما

از لوت وجود دشمن پاک شود. همانطور که در پیام آیت الله منتظری، به مناسبت پیروزی مرحله اول تهاجم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمده، این هجوم دلارانه، نشانه بودن روحیه قوی و آمادگی لازم برای پیشروی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است، و بر همین اساس است که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در تلگرام خود بهمین مناسبت به رئیس جمهوری، امیدواری خود را در مورد دریافت خبر پیروزی نهایی اعلام داشته اند.

امام خمینی، بدینسان، خواست همه توده های میلیونی ایران را بیان کرده اند.

باید گفت که اکنون شرایط برای نیل به این پیروزی فراهم است. نیروهای خط اول جبهه، از پاسداران گرفته تا نیروهای سه گانه ارتش و نیروهای مردمی، یکپارچه و متحد، با شور و خروش انقلابی، با قهرمانی کم نظیر، آماده اند تا به بهای خون خود، دشمن را از خاک میهن برانند و دست امپریالیسم آمریکا را از میهن ما کوتاه کنند. در پشت جبهه نیز میلیون ها ایرانی میهن دوست، در شهر و روستا، در مزرعه و کارخانه، در مدرسه و اداره، با شور و شوق انقلابی و فداکاری که نظیر آماده هرگونه کمک به صفوف جبهه و نبرد پیکر با دشمنان انقلاب برای نیل به پیروزی نهایی هستند، با استفاده از این نیروی عظیم باید هر چه زودتر ضربه آخر را به نیروهای تجاوزکار وارد کرد و آنها را از خاک ایران بیرون راند.

بدون تردید بیرون راندن تجاوزگران صدامی از خاک ایران، پایان نبرد سرنوشتماز سیا امپریالیسم آمریکا نیست، اما ضربه ای است قاطع، که می تواند به امپریالیسم آمریکا شکست تازه ای را تحمیل کند. در این پیروزی نیروی هست، که خلق رابیشتر از پیش برای ادامه نبرد، تاپیروزی قطعی و نهایی برامپریالیسم آمریکا، بسج خواهد کرد.

آمریکاهمیشه...

بقیه از صفحه ۱

علیه انقلاب ما بوده و هست و خواهد بود و با آزاد شدن گروگانها این سیاست تغییر نخواهد کرد.

مخالفان کنترل دولت بر اقتصاد

بهراد نبوی، که در حضور گروه کثیری از نمایندگان مطبوعات داخلی و خارجی سخن می گفت، درباره سرمایه دارانی که مخالف کنترل دولت بر اقتصاد کشور هستند، اظهار داشت: «طبیعی است که هر چه دولت بخواهد در زمینه مسائل اقتصادی نقش فعالتری را بپسندد، عناصر سودجو و عناصری که منافع خودشان را در عدم کنترل دولت بر اقتصاد مملکت می بینند، ناراحت می شوند، چون جلوی سودجویی آنها گرفته خواهد شد».

وی ادامه داد: «ما با این دسته عناصر روبرو خواهیم کرد. حتی در بعضی زمینه ها، اگر دقت کنید، یک صنی خودصراه قیمت مواد تولیدی خود را بالا برد. سدد بسج اقتصادی ضمن اخطار به این صنف، اعلام کرد که قیمت ها را تا به حال اولیه خودش برنگرداند، مواد اولیه در اختیارش نخواهد گذاشت».

بهراد نبوی در ادامه سخنان خود گفت: «طبیعی است که سیاست دوات برای عنصر سودجو و محکر و منتفع طلبی که یک عمری از این طریق ارتزاق کرده اند، خوش آیند نیست. اینها از طریق انواع و اقسام تبلیغات می کوشند که با سیاست های دولت در زمینه سهم بندی، کنترل قیمت ها و ارزاق و... مقابله کنند و این سیاست را با شکست مواجه کنند».

وی همچنین خطر نشان ساخت: «متأسفانه عناصری نیز ناآگاهانه با اینها هم صدا می شوند. صدا انقلاب هم کاخوش بخشی (از این سرمایه داران است) در گمین است».

بهراد نبوی آنگاه به قانون ملی شدن بازرگانی خارجی اشاره کرد و گفت: «اشکال کار در سیستم های الان هست که ما وابستگی داریم. ما آزادی نداریم و این حرفها، این جور نیست. اینها کار شکنی است که بعضی از اشخاص که اشتباه می کنند، اگر مردم صحیحی باشند آنها برای اینست که شما حرفهایتان را نزنید و مسائل را که داشته اید، نکته تاید و یا اینست که یک اشخاص مفرض هستند که آن اشخاص مفرض را نمی شود با هیچ جور درستش کرد».

امام خمینی گفتند: «دیگر اینکه این ارگان هائی که در هم اطراف مملکت استنر سیدم ایم که اصلاحشان بکنیم. اشکالاتی در آنهاجا هست. هیچ اشکالی ندارد که در دادگاهها، در کمیته ها، در اینطور موارد، در بین این پاسدارها مثلاً خیلی مردم خوب هستند، امام ممکن است یک اشخاصی بین آنها وارد شده باشند به اسم پاسدار و فساد بکنند و یا در دادگاهها وارد شده باشد یک کسی فاسد

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

احتیاجاتی دنیا بهم دارد. این وابستگی نیست. مثلاً ما احتیاج داریم که گندم بخریم. پول می دهیم بگندم می خریم... مبادلات تجارتی است وابستگی نیست. وابستگی این بود که ما در زمان شاه داشتیم که همه چیزمان را باید آنها بیایند اداره کنند. مستشار بیاید و لشکر ما را اینطور بکنند که کردند و آنطور خرابکاری، این مبادلات و بابی خرید و فروش متقابل که یک اشخاصی باهم خرید و فروش می کنند، این استس وابستگی نیست. الان ایران وابسته به هیچا نیست و این بهترین چیزی است که جمهوری اسلامی آورده و آزادی هم هست. بنا براین اینکه تق و تق می زنند نه اینکه عقیده شان اینست که خیر، این دولت چیزی نیست یا فرض کنید که یک گرفتاری...

اجرائی این مصوبه است. این قانون مورد علاقه و توجه دولت است و در این زمینه هم اقدام خواهیم کرد. برای اینکه بتوانیم کلیه کالاهای مورد نیاز مردم را در اسرع وقت تامین کنیم، نیاز به سازماندهی است و با سازمان موجود در وزارت بازرگانی، ما توان یک چنین کاری را نداریم. باید آمادگی پیدا کنیم و بعد قانون را به مورد اجرا بگذاریم. وی همچنین گفت: «ما قبلاً در زمینه آن کالا هایی که نیازهای اولیه بیان داریم، سعی کردیم واردات و توزیع این کالاها را تا حد امکان در کنترل دولت بگیریم. آمریکا مشغول توطئه علیه انقلاب ایران است».

بهراد نبوی در بخش دیگری از مساجد مطبوعاتی، ضمن ارائه نظریات دولت جمهوری اسلامی ایران در مورد «گروگانها» به ورود هیئت الجزایری به ایران اشاره کرد و گفت:

«هیئت الجزایری روز جمعه به تهران آمد. این هیئت حامل پیشنهادات جدیدی است که به عنوان يك اعلامیه از طرف این دولت ارائه شده است. در این پیشنهادات، دولت الجزایر حاضر شده است که تعهدات طرفین، یعنی دولت جمهوری اسلامی ایران و آمریکا را بپذیرد. یعنی دولت ایران و آمریکا میتواند در اختیارات دولت الجزایر بگذارد. این مسئله علی الاصول مسود قبول قرار گرفته است».

وی آنگاه گفت: «ما می دانیم که سیاست آمریکا در رابطه با ملل مستضعف از جمله ایران، هیچ تغییری با رفتن و ماندن این گروگانها نخواهد کرد. آمریکا همیشه مشغول توطئه بر علیه ملت های مستضعف و ملت ما و انقلاب ما بوده، هست و خواهد بود».

وی خاطرنشان ساخت: «گروگانها وقتی آزاد می شوند که شرایط مجلس از طرف آمریکا پذیرفته شود. چنانکه احسلی شود و مشخص شود که دولت آمریکا قصد سر دوآندن و وقت گذراندن دارد، دولت به وظائف قانونی خود عمل خواهد کرد».

بهراد نبوی همچنین در مورد خرید اسلحه از کشورهای دیگر گفت: «منابع تهیه اسلحه و مهمات جنگی باید مشخص شود. چنانچه همراه با وابستگی باشد از آن منابع تامین اسلحه مجوز نخواهد بود».

یکسند در صدر اسلام بعضی اشخاص وارد می شدند آشتی می کردند. در چیز اسلام و فساد کاری می کردند. اینها را باید البته رسیدگی بشود و باید همه آموری و تقایمی که هست و زیاد هم البته هست، این تقایمی با بررسی ها، با رسیدن به این طور موارد، باید بررسی شود و درست بشود که این تقایم هم که اشکال دارند به آن مثلا به دادگاهها یا زندانها یا جاهای دیگر این رسیدگی می خواهد که درست بشود».

روز ۱۱ دی ماه سال ۱۳۵۹ جلسه معمولی پرسش و پاسخ... یازدهم و یازدهم و یازدهم و یازدهم...

نورالدین کیانوری «پرسش و پاسخ»

تحکیم مبارزه ضد امپریالیستی و تعمیق دمکراسی مردمی مکمل یکدیگرند

باید با عمل خود به ثبوت برسیم که تحکیم دمکراسی، مبارزه ضد امپریالیستی را تقویت می کند

دیگر قابل تحمل نیست که در شرایط حساس کنونی در برابر تصمیم گیری های مهم، مقاومت و کارشکنی بشود

حزب توده ایران با «ترجیهای پوک» بحث ایدئولوژیک ندارد

امپریالیسم خبری تبلیغاتی روبرو هستیم. هنوز وزیر خارجه نداریم، هنوز در اکثر کشورهای خارجی ما سفیر نداریم... اقتصاد که مهم ترین مسئولیت را در شرایط کنونی برای مقابله با جنگ اقتصادی امپریالیسم دارد اصلاً وزیر ندارد...

ما امیدوار هستیم هرچه زودتر به این وضع خاتمه داده شود. البته بهترین راهحل این است که آقای بنی صدر خودشان بی برنده به این که مقاومت نه تنها به تشکیل دولت کمکی نمی رساند بلکه به جموعه انقلاب ایران و مقاومت مردم صدمه می زند...

چ: ببینید، کار حزب ما این نیست که برود و نیروی خود را صرف آن بکند برای این که ببیند بین گروههایی که در بالا از آن اسم برده شد چه اختلافاتی کوچکی وجود دارد؟ واقعتاً هم این است که خود این...

همه و قسمتی از خاک ایران از طرف تجاوزکاران اشغال شده است و ما باید تمام نیروی خود را در جهت دفع تجاوز تجهیز بکنیم... "انقلاب اسلامی" در مقاله ای که دو بار هم به چاپ می رسد، پیشنهاد میکند که ما باید برویم و جمهوری های مسلمان نشین اتحاد شوروی را "آزاد" و دولت افغانستان را سرنگون کنیم...

خوب این جا سؤال می شود که آیا حزب نمی تواند یک سری بحث های ایدئولوژیک را با این گروهها آغاز کند؟ آخر در ایران نزدیک هفتی گروه مائوئیستی تشکیل شده که ما به آنها اسم عام "ترجیهای پوک" را گذاشته ایم...

البته با گروههایی که از نظر کمیت و کیفیت اهمیت دارند، ما این بحث را انجام داده ایم و می دهیم... از طرف دیگر تصور نکنید که این گروههای مائوئیستی، این "ترجیهای پوک" تنها مختص ایران هستند...

ما خدای می کنیم که این بحثی نیست که فقط ما باید در آن شرکت بکنیم. بحثی که الان درباره عمل و موضع گیری های جناحی که آقای بنی صدر در راس آن قرار گرفته، در گرفته است... برای ما این است که ما همان طور که تا به حال چندین بار در همه موارد...

ما خدای می کنیم که این بحثی نیست که فقط ما باید در آن شرکت بکنیم. بحثی که الان درباره عمل و موضع گیری های جناحی که آقای بنی صدر در راس آن قرار گرفته، در گرفته است... برای ما این است که ما همان طور که تا به حال چندین بار در همه موارد...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم، که از ما هیچ وقت نخواهند که وارد فرضیات بشویم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم، که از ما هیچ وقت نخواهند که وارد فرضیات بشویم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

ج: از قسمت آخر سؤال شروع کنم. دوستی که این سؤال را طرح کرده، باز به خلاف فراری که ما با سؤال کنندگان و شنوندگان گذاشته بودیم...

تعمیر کاران تبریز: ماهمه جا را جبهه می دانیم!

رسیدگی به وضع صنعتگران از وظایف فوری و حیاتی مسئولان دلسوز انقلاب است

برای آشنایی بیشتر با وضع کار کارگران مکانیک و تعمیرکار، از "تعمیرگاه وسایل نقلیه سنگین تولگی" در شهر تبریز دیدار کردیم. وقتی وارد تعمیرگاه شدیم، مشاهده کردیم که قسمت اعظم حیاط را آب فرا گرفته است. ولی کارگران و استادکاران در اطراف این مرداب بزرگ کلولای و لجن، مشغول به کار بودند. در آغاز وارد کارگاه گلگیرسازی شدیم. ایوب فخریم، کارگر گلگیرساز در باره کار و مشکلات خود گفت: "از سال ۱۳۳۴ تا به حال سرگرم این کار هستیم. مشکلات کار زیاد است، ولی در شرایط فعلی باید برخی از آنها را تحمل کرد و دولت هم باید بعضی از مشکلات موجود را مورد بررسی قرار دهد."

از چگونگی کمک او به جبهه‌های نبرد علیه تجاوزگران صدامی پرسیدیم. او با اشاره به یک نفتکش سنگین، که روی آن کار می‌کرد، گفت: "این تانکر در جبهه جنگ آسیب دیده است و پس از تعمیر باید مجدداً به جبهه برگردد، تا حداقل به امر سوخت‌رسانی شهرها کمک کند. من فکر می‌کنم بزرگ‌ترین خدمت من این است که هرچه زودتر کار تعمیر آن را به پایان برسانم، هرچند که این کمک من نسبت به سایر کارها بسیار ناچیز است."

از او پرسیدیم: آیا حاضر هستید به جبهه بروید؟ گفت: "اگر چه من همه جا را جبهه می‌دانم، ولی اگر وجود من در جبهه لازم باشد، حتماً به جبهه خواهم رفت."

از راننده نفتکش، که در کنار نفتکش ایستاده بود و بر کار تعمیر آن نظارت می‌کرد، پرسیدیم: چرا شما تانکر خود را، که در جنگ آسیب دیده است، در یک تعمیرگاه خصوصی تعمیر می‌کنید؟ گفت: "دولت بهتر است به جنگ‌زدگان و جبهه جنگ برسد، تا به من برسد. در ضمن در تعمیرگاه‌های ارتش آن قدر وسایل برای تعمیر هست که من صحیح نمی‌دانم که سرباز آن‌ها شوم."

سیس وارد کارگاه مکانیکی گریکس و دفرنسیال تعمیرگاه شدیم. آقای جواد انیس نانی، مکانیک این کارگاه، که حدود بیست و شش سال در این کار سابقه کار دارد، گفت: "در شهر تبریز حدود چهارصد کارگاه مکانیکی وجود دارد. یکی از مشکلات مانع بودن سندیکا است. مسئله دیگر غیر بهداشتی بودن محیط کار است و مرکزی در تبریز برای رسیدگی به این کارها وجود ندارد." او در ادامه سخنانش گفت:

"تاکنون بارها به ادارات بیمه، امور بهداشت و اداره کار برای رسیدگی به مشکلات موجود در محیط کار مراجعه کرده‌ایم، ولی به هیچیک از خواست‌های ما ترتیبی داده نشده است. مسئله دیگری که مدتی است با آن دست به‌گریبانیم، مسئله گرانی و کمبود وسایل یدکی است. مثلاً جنسی را که از ابزارفروشی تا چند روز قبل به مبلغ هزار و بیست تومان می‌خریدیم، امروز همان جنس را دوهزار تومان خریده‌ایم." او اضافه کرد که:

"مشکل دیگر ما در حال حاضر نداشتن جیره نفت و بنزین است. ما برای شستشوی موتور احتیاج به این مواد داریم. مسئولان امر باید هرچه زودتر به این امر مهم توجه کنند. درست است که ما در شرایط جنگی به سر می‌بریم، ولی سرنوشت ما از انقلاب جدا نیست و رسیدگی به وضع صنعتگران و بالاخص کارگران از وظایف فوری و حیاتی مسئولان دلسوز انقلاب است."

علی دهناد، کارگر اطاق‌ساز تعمیرگاه، هم از گرانی و کمبود وسایل اولیه کار گله داشت و حسین افشان‌فر، مکانیک موتورهای ماشین‌آلات سنگین تعمیرگاه، با بیست‌سال سابقه کار، ضمن اشاره به محیط نامساعد کار گفت:

"اگر دوروز پیش به این‌جا می‌آمدید، برای عبور از وسط گازها می‌بایست با خود یک قایق می‌آوردید."

او سپس راجع به قسمتی از مشکلات موجود در محیط کار توضیحاتی داد و با اشاره به موتور آبی که در حال تعمیر آن بود، اضافه کرد که: "این موتور را از سه‌ماه پیش برای تعمیر به اینجا آورده‌اند، ولی وسایل یدکی آن پیدا نمی‌شود. اگر هم وجود داشته باشد، در انبار محکوم است. اگر من نتوانم این موتور را تعمیر کنم، کشاورزان یک ده فلج می‌شوند." در این کارگاه علاوه بر افشان‌فر، سه کارگر نوجوان هم به‌نام‌های حسن (۱۵ ساله)، علی محمد (۱۶ ساله) و جعفر (۱۷ ساله) کار می‌کنند. از این کارگران جوان درباره مسائل روز پرسیدیم. یکی از آنها در پاسخ گفت:

"ما هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۵/۵ بعداز ظهر کار می‌کنیم و با این کار طاقت فرسا، دیگر فرصتی برای تعقیب مسائل روز برای ما باقی نمی‌ماند."

محل دیگری که مورد بازدید ما قرار گرفت، کارگاه نقاشی و تودوزی تعمیرگاه بود. احمد بدلی، نقاشی و تودوز تعمیرگاه، گفت:



ما فقط می‌خواهیم انقلاب ادامه یابد

"رنگ کیلویی صد ریال را اکنون پانصد تا هزار ریال می‌خریم. مواد خشک‌کننده "سی‌تکس" کمیاب است. "تینر" کیلویی پنجاه ریال به دو بیست ریال رسیده است. شمع متری صد ریال، در عین کمیابی، به قیمت پانصد تا هفتصد ریال فروخته می‌شود. او سپس اضافه کرد که:

"یکی از مواد اولیه کار ما بنزین و نفت است، چون موتور رنگ‌پاشی ما بنزینی است، ولی ما بنزین نداریم. تا کنون اتحادیه در این مورد اقدامی به عمل نیاورده است. نظر او را در مورد چگونگی رفع مشکلات جویا شدیم. او گفت:

"دولت می‌تواند به این کارها سروصورتی بدهد. در صنف ما هستند نقاشانی که قبلاً مقدار زیادی رنگ خریده و احتکار کرده‌اند. اگر ما پشتگرمی داشته باشیم، این حالت دلهره و نگرانی از بین خواهد رفت. ما می‌خواهیم وضع همه یکسان باشد و اشخاص سودجو نتوانند چون گذشته سوءاستفاده کنند."

در کارگاه نقاشی و تودوزی، دو کارگر خردسال به‌نام‌های احمد اسحاقی نژاد (۱۴ ساله) و محمد (۱۳ ساله) هر یک با دست‌مزد هفته‌ای پانصد ریال کار می‌کنند. در پایان، با سرایدار تعمیرگاه به گفتگو نشستیم. مرتضی، با هفتاد سال سن، روزی پانصد ریال دریافت می‌کند. از او نظری را در مورد انقلاب و جنگ پرسیدیم. او در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود، گفت:

"من فقط می‌خواهم این انقلاب ادامه پیدا کند. من در گذشته در دوران رژیم شاه ملعون، آنچنان سختی کشیده‌ام که اکنون حاضریم تا هفت نسل من کشته شوند، ولی این انقلاب پایدار بماند."

مسئول آتش سوزی کارخانه برنج کوبی تمچال شخص کارفرما است

در ساعت ۲/۵ صبح روز یکشنبه ۱۸ آبان‌ماه ۵۹، کارخانه برنج‌کوبی در قریه تمچال دچار حریق شد. این آتش سوزی حدود نیمساعت بطول انجامید، که به کمک ما نوران آتش‌نشانی و مردم آتش‌خاموش‌گریدید. بعد از اطفاء حریق، رئیس شهرستانی به محل حادثه رفت و از پسر کارفرما (کارفرما در مسافرت بود) و مکانیک کارخانه توضیح خواست. مکانیک کارخانه، که مسئول موتور بود، اظهار داشت که:

"کارفرما به من گفته که برای سوخت موتور از روغن سوخته استفاده کنم (چون از آن تر است). من بارها به او تذکر داده بودم که با استفاده از روغن سوخته موتور خاموش می‌شود و همچنین به احتمال قوی موتور آتش می‌گیرد و منفجر می‌شود. ولی همیشه او بمن میگفت: تو کاری به این کارها نداشته باش."

مکانیک کارخانه در ادامه سخنانش گفت:

"ما ساعت ۳/۵ صبح ابتدای موتور خشک کن را روشن کردیم. آن‌گاه به کارخانه برنج کوبی برای روشن کردن موتور آن رفتیم. هنوز یک دقیقه از روشن کردن خشک کن نگذشته بود که ناگهان صدای انفجاری را شنیدیم. ما بطرف صدای انفجار رفتیم و مشاهده کردیم که انبار خشک کن آتش گرفته است. شدت آتش بقدری زیاد بود که نتوانستیم داخل محوطه شویم."

در پی این آتش سوزی، مقادیر معتدلی برنج در آتش سوخت و بسیاری از کشتاورزان سرمایه‌شان مبدل به آتش شد.

میزان خسارات وارده به سیزده نفری که در این جریان خسارت دیده‌اند، در مجموع مبلغ ۹۹۹۴۰۰۰ ریال است. کارفرما اعلام کرده است که توانایی پرداخت این مبلغ را ندارد و هیچ وجه قادر به جبران خسارات وارده نیست. قدر مسلم اینست که مقصر اصلی آتش سوزی شخص کارفرما است و هم‌اوست که برای بدست آوردن سود بیشتر، بجای روغن معمولی موتور، از روغن سوخته استفاده می‌کرد، در حالی که مکانیک کارخانه بارها خطرات ناشی از آن را به او گوشزد کرده بود.

مسئولین امر باید در پیگیری این امر منتهای سعی و کوشش خویش را بعمل آورند، تا کارفرما مجبور به پرداخت خسارات وارده به کشتاورزان زحمتکش شود.

حوادثی از این دست نشان‌دهنده بی مسئولیتی کارفرمایان و احساس مسئولیت کارکنان واحدهاست. امروز کشور در حال جنگ است. حفظ و پیشبرد ظرفیت تولیدی کارخانه‌ها یک وظیفه انقلابی و میهنی است. هر نوع سهل‌انگاری (وجه بسا خرابکاری عمدی) نابخشودنی است. جواب بماند.



هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۵/۵ بعد از ظهر کار می‌کنیم

کارگران شرکت ساختمانی «پرشیان» توطئه ضد انقلاب را خنثی کردند

کارگران آگاه و انقلابی شرکت ساختمانی «پرشیان» شیراز با ادامه کار، توطئه ضد انقلاب را، که قصد به تعطیل کشاندن کارگاه و ایجاد جو آشوب و ناراضی بین کارگران داشت، خنثی کردند.

پروژه ساختمانی برای احداث آپارتمان‌های بلند در اطراف شیراز در حال اقدام است.

این پروژه به یکی از سازمان‌های دولتی تعلق دارد و بوسیله شرکت ساختمانی «پرشیان» در حال انجام است. قریب ۷۵۰ کارگر در رسته‌های مختلف ساختمانی (آرماتوربندی، نجار، تاسیسات، حمل و نقل و غیره) از اواخر سال ۵۶ مشغول کارند، آپارتمان‌های بلند پانزده طبقه، مشتمل بر دوهزار و دویست آپارتمان است. در جریان انقلاب تاخیر ۶ ماهه‌ای در امر ساختن آپارتمان‌ها بوجود آمد.

حقوق کارگران این شرکت بین ۲۷۰۰ تا ۳۳۰۰ تومان است.

کارگران این پروژه توانسته‌اند با شکل و دفاع از حقوق صنفی خود، مزایای را بدست آورند و از اخراج بی‌رویه کارگران جلوگیری کنند. همچنین با حمایت کارگران شورا توانسته است در مدیریت کارگاه نظارت داشته باشد و در امر تدارکات کار، نقش فعال و مثبتی را ایفا کند. این نقش فعال، علیرغم کارشناسی‌ها و تفرقه‌افکنی‌های پیمانکار و مائوئیست‌ها بوده است.

پس از شروع جنگ تحمیلی، دشواری‌های ناشی از آن در این کارگاه نیز انعکاس یافت، که نمونه آن به تعویق افتادن حقوق کارگران بود. کارگران این شرکت حقوق خود را در پانزدهم هرماه (بعد از ارسال گزارش وضع شرکت به تهران) دریافت می‌کنند.

کارگران در سال جاری پنجاه درصد حقوق خود را دریافت کردند و حقوق آبان ماه تا ۲۳ آذر ماه به تعویق افتاد. این مسئله زمینه خوبی برای فعالیت ضد انقلاب ایجاد کرد، تا بتواند با طرح شعارهایی چون "سه ماه است حقوق نگرفتیم" و "نقطه با اعتصاب می‌شود حق خود را گرفت" کارگاه را به تعطیل بکشاند.

ضد انقلابیون گروهک مائوئیستی "پیکار"، که طراح اصلی این توطئه بودند،

کارخانه آرد زایل را در جهت تامین احتیاجات مردم بکار اندازید

ماشین‌آلات کارخانه آرد زایل چند سال است (خصوصاً در دو سال اخیر) به علت استفاده نشدن در حال فرسودگی است. می‌توان از این ماشین‌ها برای تأمین برخی احتیاجات استفاده کرد. کارخانه آرد زایل در سال ۵۵ بدون در نظر گرفتن شرایط محلی و بررسی منطقه، توسط دولت طاغوت از سوئیس خریداری شد. ولی به علت بهره‌برداری ناقص و عدم استفاده کامل از ماشین‌ها، کار با آن‌ها مقرون به صرفه نبود. به همین دلیل کارهای بکندی صورت گرفت و بعد از استناداری سازمان غله مدتی، و خصوصاً در دو سال اخیر، ماشین‌ها از تصمیمات سریع و قاطع، در راه اندازی و بکارگیری این ماشین‌آلات اقدام کرد. ولی نه به صورت کارخانه آرد زایل شده گذشته، بلکه با تغییر کار می‌کنند. با استفاده از آن‌ها می‌توان، تا حدودی نیازهای مردم منطقه را تأمین کرد و دیگر برای قطع وابستگی مردم به بکار گرفتن اسلوب و روش صحیح، می‌توان بهره‌برداری از آن‌ها برداشته شود.

طرحه کارگران در جهت تامین احتیاجات مردم بکار اندازید

روستاییان تهدیدست اطراف گنبد کاووس

روستای جای قوشان کوچک، یکی از روستاهای بخش کلالة در شمال شرقی گنبد کاووس است. این روستا ۷۰ خانوار را دربر می گیرد و جمعیت آن ۷۵۰ نفر و دارای ۷۰۰ الی ۸۰۰ هکتار زمین دیم است. اهالی این روستا از نظر آب شیرین در مضیقه هستند و با خودیاری، چاهی به عمق ۲۰ متر حفر کرده اند، لیکن به آب شور رسیده اند. آب آشامیدنی اهالی از رودخانه تا مین می شود، که خود موجب بروز انواع بیماری ها می گردد. صنعت رایج دستی در روستای جای قوشان قالی بافی است، که وسیله گذران زندگی اکثریت خانوادهاست. در این روستا از درمانگاه و حمام خبری نیست. در روستا شورا تشکیل شده است و اقصادی از پشتیبانی و حمایت اهالی برخوردار هستند. جهاد سازندگی به اهالی روستا گفته است که بودجه آب چای قوشان تصویرگر دیده و در نوبت است. دهقانان بی زمین بر روی اراضی

دیگران به صورت سهم بری (یک به ۵) کار می کنند و بعضی در شهر به کارگری مشغول هستند. حجام، دهقان چهل ساله ای که عضو شورای ده است، در مورد مسائلی که اهالی با آن هاروبرو هستند می گوید: «بعد از انقلاب کسانی که در ده معتمد بودند، در صدد ترک این بلای خانمان برانداز برآمدند. از بلاهای دیگر روستا، بلای بزرگ مالک است، که در تمام دوره طاغوت به مراتب جنگ انداخته بودند و با همکاری پاسگاه همیشه بلای جان روستائیان بودند. اکنون با همکاری هیئت ۷ نفری و شورای مرکزی اسلامی دست قسمتی از آنها کوتاه شده است. حجام در بیان، در مورد جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی رژیم صدام به ایران و اقداماتی که به وسیله اهالی انجام شده است، می گوید: «در روستاهای اطراف برای کمک به جبهه جنگ اقداماتی شده است. در ده ما نیز به ابتکار خودمان در صدد گردآوری مبالغی برای جبهه

با اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی، آرزو دارند به استقلال و خود کفایی کمک کنند

وظیفه انقلابی شوراها ده

در تاریخ ۵۹/۸/۲۳، بنا به دعوت قبلی و با حضور اهالی تشکیل شد. روستائیان روستای ترمنگده طولگیلان، علیرغم کارشکنی هایی که میشد، توانستند در این روز نمایندگان خود را انتخاب کنند. در سندها موبد تشکیل این شورا، که امضاء و اثر انگشت ۱۱۸ نفر اهالی روستا در زیر خود دارد، آمده است:

شورای روستای ترمنگده طولگیلان در تاریخ ۵۹/۸/۲۳، بنا به دعوت قبلی و با حضور اهالی تشکیل شد. روستائیان روستای ترمنگده طولگیلان، علیرغم کارشکنی هایی که میشد، توانستند در این روز نمایندگان خود را انتخاب کنند. در سندها موبد تشکیل این شورا، که امضاء و اثر انگشت ۱۱۸ نفر اهالی روستا در زیر خود دارد، آمده است:

در مورخه ۵۹/۸/۲۳، روز جمعه از ماه آبان، با دعوت قبلی از اهالی قریه ترمنگده طولگیلان در فروشگاه تعاونی روستا، انتخابات تعیین شورای ده موافق اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برطبق آیه «شریفة قرآن مجید که میفرماید: "وامر هم شورابینهم" و "شاورهم فی الامر" برگزار گردید که برای اکثریت قاطع اهالی مستضعف روستا، افراد زیر بترتیب آراء انتخاب گردیدند، که نفر اول عضواصلی و ۳ نفر دیگر عضوی - البدل میباشند: ۱- قهرمان سنایی ۲- اسماعیل طولی ۳- عظیم رضایی ۴- جعفر نامدار ۵- مقصود وطن دوست ۶- عبدالله رضایی ۷- ابراهیم حاجتی ۸- محسن احمدزاده.

نمایندگان انتخاب شده موظفند که در کلیه امور عمرانی، اقتصادی، سیاسی، اداری و بهداشتی و غیر مشکلات روستائیان مستضعف را با نهاد های انقلابی، گامزمتن انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استعماری برهبری امام خمینی بر خاسته اند، در میان نهاد و در رفع امور در جهت تقویت و تحکیم و تعمیق انقلاب و برهبری انقلاب کوشا باشند. اعضای شورای ده نیز متعهدند که نهایت کوشش و همکاری را با نمایندگان منتخب خود بنمایند که البته وظایف کلی با شرح و تفصیل در ورقه پیوست تنظیم می گردد.

رونوشت این سند و امضاها و اثر انگشت برای نهادهای انقلابی و روزنامه ها ارسال شده است.

همانطور که در متن سند موبد تشکیل شورا آمده است، شورا بدرستی وظیفه دار شده است که با استفاده از امکاناتی که دولت باید در اختیار آنان قرار دهد، کلیه مسائل و مشکلات روستائیان را، با کمک نهادهای انقلابی و با شرکت خود دهقانان، مرتفع سازد. بویژه در این هنگام که هیئت های هفت نفری کار اجرای قانون اصلاحات ارضی را آغاز کرده اند، بر شوراهاست که با تمام توان خود با هیئت مذکور همکاری کنند، تا قانون اصلاحات ارضی بدرستی و سود دهقانان تهیدست اجرا گردد.

شوراها می میتوانند و باید در تعمیق و گسترش انقلاب شکوهمندمان نقش بزرگی را ایفا کنند، و با یاری جهاد سازندگی ده را نوسازی کنند و چهره ای که شایسته انقلاب بزرگ ما باشد، به آن ببخشند و با کمک ادارات و مسئولان متعهد دولتی، به اقتصاد ده و امور کشاورزی سامان دهند و زمینه ازدیاد محصول را فراهم کنند. هم چنین کمک بر رفع نیازمندیهای از قبیل پیوند رختشویی و روغن و نفت و آرد - که مسائل حاد روز دهقانان ترمنگده است - ساز وظایف شورا است.

در تاریخ ۵۹/۸/۲۳، بنا به دعوت قبلی و با حضور اهالی تشکیل شد. روستائیان روستای ترمنگده طولگیلان، علیرغم کارشکنی هایی که میشد، توانستند در این روز نمایندگان خود را انتخاب کنند. در سندها موبد تشکیل این شورا، که امضاء و اثر انگشت ۱۱۸ نفر اهالی روستا در زیر خود دارد، آمده است:

در تاریخ ۵۹/۸/۲۳، بنا به دعوت قبلی و با حضور اهالی تشکیل شد. روستائیان روستای ترمنگده طولگیلان، علیرغم کارشکنی هایی که میشد، توانستند در این روز نمایندگان خود را انتخاب کنند. در سندها موبد تشکیل این شورا، که امضاء و اثر انگشت ۱۱۸ نفر اهالی روستا در زیر خود دارد، آمده است:

با کوشش در این جهت است که شورا و دهقانان میتوانند بر خرابیهای عده محدودی، و از جمله دو نفری که تمیخواستند بگذارند جلسه تشکیل شود، غلبه کنند و کار بسیار مهم و انقلابی خود را در پیشبرد خط امام و تحکیم جمهوری اسلامی ایران با انجام برسانند.

ضرورت ایجاد تعاونی در روستای با یجق تاتار، برای فروش محصولات کشاورزی به قیمت عادل

استفاده از یکی از جاهای آرتیزین، لوله کشی آب روستا را بیایان رسانده و این خود موجب ایجاد حمام شده است. بودجه لوله کشی بوسیله جهاد و مردم تامین گردیده است. دانش - آموزان راهنمایی روستا برای ادامه تحصیل به بخش نظام آباد، که در دو کیلومتری قرار دارد، می روند. اهالی روستا بهنگام بیماری به گنبد میروند.

در سال گذشته، اهالی بطریق تعاونی حدود ۱۷۰ هکتار را گندم و بقیه را بیهه کاشتند. بهنگام برداشت گندم، روستائیان چون جای برای نگهداری آنها نداشتند، گندمها را به شهر آوردند. ولی در شهر دولت گندمها را بیتی ۲۸ تومان قیمت - گذاری کرده بود که اصلا صرف نمیکرد. دلالتها سو استفاده کردند و گندم را به قیمت ۲۹ تومان از روستائیان گرفتند. بدینسان گندم روستائیان بدست واسطه ها افتاد. واسطه ها گندم را در سیلوی منطقه انبار کردند و زمانی که دولت بهای گندم را بالا برد، واسطه ها گندم را با قیمت جدید به دولت فروختند و با احتکار کردند. تا بازم قیمت بالا رود.

این نمونه نشان میدهد که تا چه اندازه سیاست قیمت گذاری دولت و تعیین خرید محصول به قیمت عادلانه اهمیت حیاتی دارد. این واقعیت در مورد تقریباً همه محصولات و در همه مناطق کشور صدق میکند.

در روستای با یجق تاتار، جهاد سازندگی ب خوبی بوظیفه خود عمل می کند. جهاد سازندگی با

روستای با یجق تاتار، که در محل به قره موسوم است، در جاده کنار پل قره سو، در ۲۰۰ متری سمت شرق قرار دارد.

روستای با یجق تاتار در حدود ۴۵ خانوار ترکمن و ۲۰ الی ۳۰ خانوار زابلی را در بر می گیرد. زابلیها بر روی اراضی مزروعی سکونت دارند. از اهالی ترکمن در حدود ۱۸ خانوار فاقد زمین هستند و در حدود ۴ خانوار ۵ هکتار زمین دارند. همچنین ۲ الی ۳ خانواده ۱۲۰ تا ۲۰ هکتار زمین و بقیه در حدود ۲ تا ۲۰ هکتار زمین دارند.

بعد از انقلاب، حدود ۲۲۰ هکتار زمین از بزرگ مالکان منطقه مصادره شد که در آنها مقداری گندم و پنبه کشت گردید و دهقانان محل نیز سهم خود را از محصول بدست آوردند. اراضی مصادره شده بدون استثناء دارای چندین حلقه چاه هستند که آب لازم برای کشت را بطور کامل تامین میکنند. در تمام این زمینها میتوان پنبه نیز کاشت. چون اکثر خانواده های - زمین و کم زمین هستند، جوانان ده به منظور یافتن کار به شهر و نقاط دیگر

اهالی لوران (بندر جاسک) محیط سالم بهداشتی می خواهند

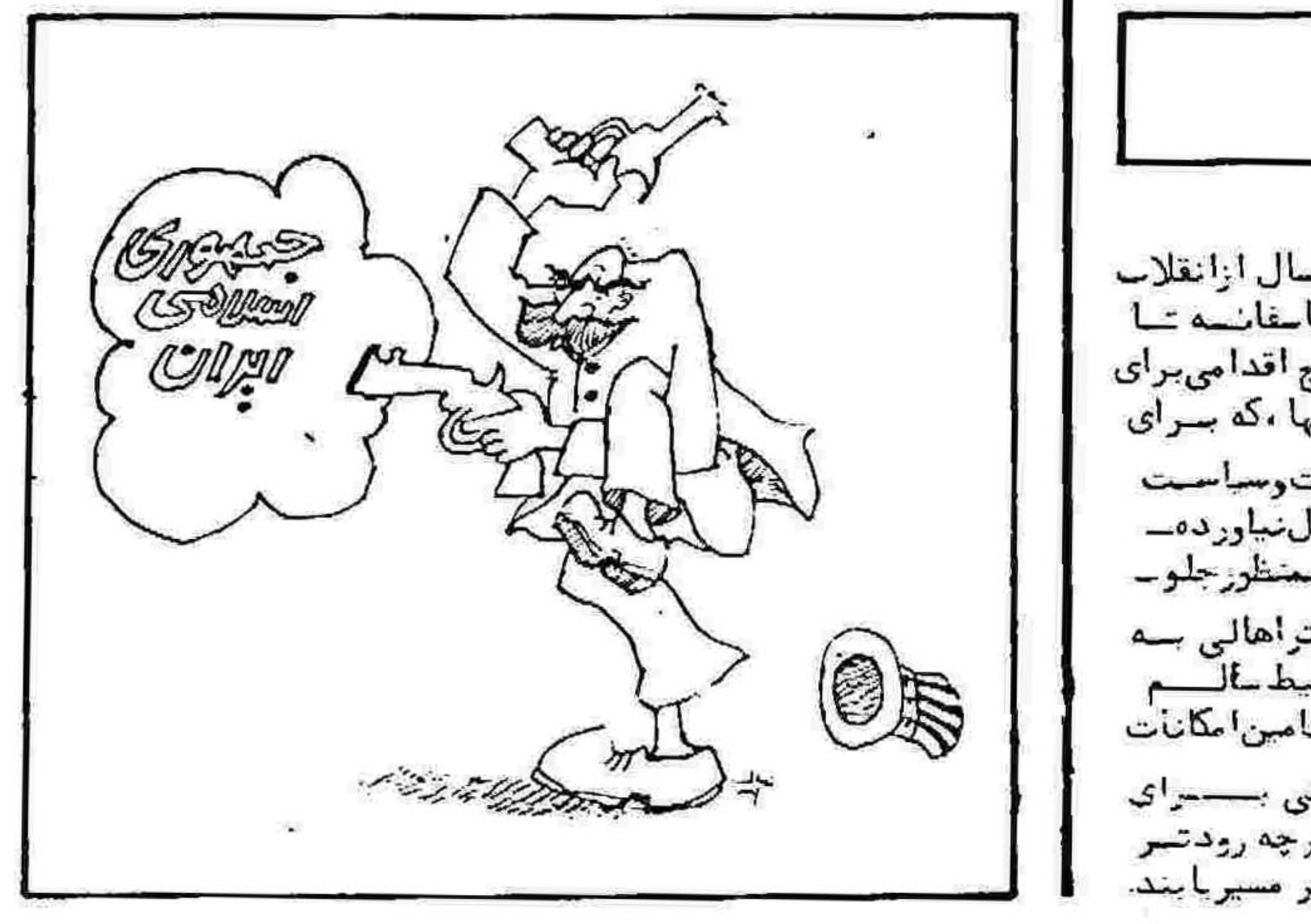
اهالی از جاو مکان زندگیشان و نظامی کردن منطقه بوده است. با وجود همه این مشکلات، اهالی لوران به مقاومت خویش ادامه دادند و منازل خود را ترک نکردند. مسئولین پایگاه چون با مقاومت اهالی روبرو شدند، در سال ۵۹ اقدام به نام نوی تعدادی از منازل مسکونی کردند. ناماگان آنها را اخراج کنند. ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران موفق به انکار نشدند.

اینک مدت در سال از انقلاب میگذرد، لیکن متأسفانه تا کون مسئولین هیچ اقدامی برای تغییر مسیر کانالها، که برای اهالی مظهر حکمت و سیاست طاغوت است، بعمل نیآورده اند. لازم است که به منظور جلوگیری از ابتلا بیشتر اهالی به بیماری و ایجاد محیط سالم بهداشتی ضمن تامین امکانات درمانی و بهداشتی - برای روستای لوران هر چه رود تر این کانالها تغییر مسیر یابند.

بدون آنکه بدریا بریزد، رها شده است. بوی بد ناشی از این فاضلاب، تمام فضای قریه را فرا گرفته و روستای لوران را به محیط پرورش انواع حشرات تبدیل کرده است. این خود موجب شیوع امراض مختلف از جمله مالاریا، تب حصیه و کجک اطفال شده، و گواهی آن اهالی لوران و اداره مالاریا و بهداشتی بندر جاسک است.

هدف رژیم صدم بردمی و وابسته گذشته از ابتکار، اخراج

لوران قریه ای است که در دو کیلومتری بندر جاسک و در مجاورت ایستگاه نیروی هوایی واقع شده است. حدود ۹ سال است که فاضلاب منازل ایستگاه بوسیله سه لوله از ایستگاه خارج میشود. یک لوله آن از شرق روستای گذر و به دریای - ریزد، ولی دولوله دیگر از وسط روستا و انتهای غریبی آن می گذرد. دولوله مذکور تا پشت جاده و در مجاورت مدرسه و مسجد قریه بوسیله یک کانال خاکی کشیده شده و



بارها، چه در دوران طاغوت و چه بعد از انقلاب شکوهمندان، گفته شده، و با به صورت طرح پیشنهادی در نشست‌هایی که به مناسبت‌های گوناگون تاتری، از قبیل شورا، سدیگا و یا سمینار تشکیل گردیده، از طرف ارباب هنر و اهل تئاتر عنوان شده است که تاتر برای این که مستقل باشد، باید خودکفا باشد.

این حرف، در بادی امر، نه تنها نامعقول به نظر نمی‌رسد، بلکه ظاهراً و به علت تشابه با برخی نظریات صحیح در رشته‌های اقتصادی شکلی انقلابی بخود می‌گیرد. ولی در واقع امر چگونه؟ آیا قیاسی مع الفارق صورت نمی‌گیرد؟ در این زمینه‌ها بی‌جا نیست به بحث نشست و با کم و کیف مطلب، دقیق‌تر و رها از ذهن‌گرایی آشنا شد و عقاید و نظریات گوناگون را به نقد گذاشت. مثلا بد نیست، برای برخورد واقع‌بینانه به مسئله خودکفایی مالی تاتر، قبل از هر چیز نگاهی گذرا به نحوه تقسیم‌بندی دست‌اندرکاران تاتر بیفکنیم.

عده قابل‌توجهی از هنرپیشگان، کارگردانان و دیگر فعالان تاتر جذب موسسات هنری دولتی شده‌اند، که اخیراً بخشی از این گروه، در شکل اداری، از بقیه همکاران خود جدا شده‌اند. همه علاقمندان به هنر تاتر و پویایی و تنوع آن امیدوارند که این جدایی به کناره‌گیری کلی از "حرفه" منجر نشود، در حال حاضر متأسفانه باور چنین امری، لاقابل به ایسین زودی‌ها نمی‌رود، اگر چه باید دانست که در بسیاری از کشورهای متمدنی، هنرمندانی که مسئولیت‌های اداری و نقش سازماندهی به‌عهده می‌گیرند، ایدا از حرفه و از هنر خویش جدا نمی‌شوند.

دسته دوم شامل گروه‌های آزاد تاتر است. این گروه‌ها از نظر افراد شکل ثابتی ندارند، بدین معنی که امکان دارد اعضاء این گروه‌ها از بین دانشجویان، کارمندان، صاحبان مشاغل آزاد و یا هنرپیشگان حرفه‌ای باشند. بنابراین در این‌جا بیشتر شناسنامه هنری گروه مطرح است تا افراد. در همین دسته شاید بتوان تاتر دانشگاهی را نیز جای داد که بخشی دیگری از تاتر است، اگر چه در حال حاضر به علت تعطیل دانشگاه‌ها فعال نیست. در نتیجه، بیشترین شمار، از بین دانشجویان هنرمند در دل گروه‌های آزاد فعالیت می‌کنند. و بالاخره حرفه‌ای‌ترین بخش تاتر ما، با توجه به مفهوم اصیل واژه، "تئاترهای لاله‌زار" است: تاتر لاله‌زاری! پدیده چند سویه و جالب و ویژه‌ای که شایسته است بیرون نقش و عملکرد و وسایل کار و نتایج هنری آن به تفکر و نتیجه‌گیری نشست. رژیم گذشته، به علت خلط ضد مردمی خود، هرگز "تئاتر لاله‌زاری" را جدی نگرفت، مگر به مثابه وسیله‌ای برای تخمدیر، گمراهی، اشاعه فتاد و تباه‌سوی و ترویج اعتدال و بی‌خبری، اما، در اعماق خود، این تاتر بیش از بخت‌های دیگر با مردم در تماس بوده و آنها را به‌خود جلب می‌کرده و تحت تاثیر قرار داده است. این تاتر در شرایط سلطه رژیم ترور و اختناق و

سیاست ضد فرهنگی و اقتصادی وابسته‌بمان، به معنای واقعی و اصیل "مردمی" نبوده است، ولی بالقوه می‌تواند نقش هنری، تربیتی، اجتماعی و معرفتی موثری را، در صورت برخورد ریشه‌ای و انقلابی با آن، ایفا کند. انقلاب شکوهمندان به رهبری امام خمینی، برخلاف تبلیغات سوء بداندیشان و علی‌رغم ندانم‌گاری‌ها، با برخوردهای قشری تنگ‌نظرانه می‌تواند این گوشه از هنر نمایشی کشورمان را هم، که باید به‌صورت مرکزی فرهنگی و پر تحرک درآید، بی‌نصب نگذارد و از هم‌اکنون می‌رود که تاتر انقلابی، با دستیاری هنرمندان راستین‌توده‌ها

در مسئله خودکفایی مالی، برخی‌ها، بدون توجه به شرایط خاص هر سیستم، فتوا می‌دهند که چنانچه هنرمند حقوق بگیر شد، تنبیل می‌شود، از خلاقیت می‌افتد، فرسوده می‌شود و کارمندی‌شود... آنها زمینه اجتماعی و جو انقلابی را به‌کلی نادیده می‌گیرند. در حالی که چنین پدیده‌ای را نمی‌توان هرگز جدا از شناخت دقیق و کامل جامعه و سیستم حاکم بر آن بررسی کرد. این‌گونه مطلق‌گرایان، که با آن‌همه شتاب حکم صادر می‌کنند، قاعدتا به عنوان "الگو"، مثلا به اروپای غربی و یا آمریکا چشم می‌دوزند. ولی حتی با این معیار هم آن‌ها اشتباه می‌کنند. مثلا در کشور

محله پیکادلی)، یعنی مرکز توریستی و تفریحی، که لنگرگاه و قله‌گاه آنها بوده، "خودکفا" هستند! این برای ما الگوی قابل تقلیدی نمی‌تواند باشد. آن‌ها طبیعتا برای جلب مشتری و تامین گیشه، "نهی بازار" را درمی‌یابند. برای آن‌ها معیار اصلی "سود" سرمایه‌داری است و به آنچه توجهی ندارند، ضرورت‌های فرهنگی، ارزش‌های هنری و شیوه‌های رشد معنوی جامعه است. البته در جامعه سرمایه‌داری چنین برخوردی با هنر تاتر اصلا عجیب نیست. برعکس، در کشورهای ضد امپریالیستی و مترقی، هنرمندان حقوق دائم و ثابت دارند، از نظر

این مفهوم، تنها تئاتر حرفه‌ای به معنای رایج آن، یعنی تئاتری که از طریق گیشه‌اش تامین شود، در کشور ما، تئاترهای لاله‌زار است. عمده‌ترین ضابطه‌های که تا کنون نیز بر این تئاترها حاکم است، بدون تردید، اصل سودجویی سرمایه‌داری است. اگر چه تا کنون تدابیری در جهت کوتاه کردن دست غارتگران اتخاذ شده است، ولی "تاجر هنری" صاحب سرمایه، در رشته نمایش، با استخدام نیروی کار هنرپیشگان و استعدادها و خلاقیت‌های کارگران و هنرپیشه و مدیر صحنه و نقاش و خیاط و نورپرداز و... استفاده از "ارزش تجاری" نام و سابقه آن‌ها، با استخدام گروه فنی و مدیران سازمان‌دهندگان و مستخدمان، سرمایه‌گذاری می‌کند. برای او هنر، پیام هنری، محتوای هنر مطرح نیست، اگر هم مطرح شود، تنها در آن مقطع و تا آن اندازه که "چقدر سودآور است".

بدین ترتیب، تا شرایط و معیارهای موجود در این بخش از بنیاد تغییر نکند، نمی‌توان مدعی تغییر کیفی در این تئاتر شد. و البته کمترین و بی‌ارزش‌ترین ضابطه اجرایی برای یک چنین تغییر کیفی، همین "سودآور بودن"، "خودکفا شدن" و تامین تاتر از طریق گیشه است. برای جامعه انقلابی و محیط هنری نوپایی که باید ایجاد گردد، مهم آن است که تاتر، این هنر باستانی و همیشه جوان، این هنری که کشور ما دارای آن همه سنت‌های پربر و اشکال بدیع در آن است، به‌طور عمده به‌مثابه یک نهاد فرهنگی انسان ساز، و هر نمایش تئاتری، به مثابه یک عمل هنری تحول بخش و آفریننده، درک و تلقی شود، نه انحطاطا به عنوان وسیله کسب لذت و وقت‌گذرانی یا استراحت و تفریح. اگر چه تاتر واقعی و همه‌جانبه رشد یافته، از هسته‌های انسانی درست این‌گونه عوامل نیز تهی نیست، ولی ایدا به آن محدود نمی‌شود.

ضابطه‌های یک جامعه انقلابی، "ارزش‌های" به‌کلی دیگری را - جدا از جامعه سرمایه‌داری - مدنظر دارد. ادعای استقلال تاتر، آزادی و شکوفایی تاتر، از طریق "خودکفایی مالی"، آن هم با فروش بلیط، تنها یک ذهن‌گرایی است. علاوه بر آن، وظیفه اساسی معنوی و روشنگری تاتر و رساندن پیام انقلاب در والاترین شکل هنری آن، با این خودکفایی سرمایه‌داری انجام‌شدنی نیست. طرح مسئله "خودکفایی مالی" تاتر و "آزادی" بی‌بندوبار و پول‌دراور آن، خواسته یا ناخواسته رنگوبویی از تراوشات اندیشه‌های لیبرالی دارد و به درد جامعه انقلابی ما و شکوفایی هنر خورده تاتر نمی‌خورد.

نتیجه می‌گیریم که: در جاهای سالم و انقلابی و خواستار اعتدالی معنوی، جز (۱) با کمک مالی و فنی دولت، (۲) بر شالوده نظام شورایی متکی بر هنرمندان و دست‌اندرکاران تاتر در هر واحد، (۳) تکیه بر توده‌های مردم و (۴) بر پایه یک برنامه وسیع و دقیق هم‌رشته‌های هنری و تکامل آن، به بیوند با نیازهای رشد همه‌جانبه اجتماع ما، برپایی تئاتری راستین میسر نیست.

خودکفایی مالی تاتر در ایران یا کمک مالی و فنی دولت به تاتر

کهنه امپریالیستی انگلستان، که برخی از مشهورترین تئاترهای دنیا را هم دارد، از زمانی که دولت محافظه‌کار مارگرت تاچر به‌روی کار آمده و قسمت عمده بودجه فرهنگی، از جمله تاتر را، به پنهان بحران مالی - همان‌طور که از آثار بدیهی سیستم سرمایه‌داری است - قطع کرده است، تاتر بر سابقه این کشور رو به افول گذاشته است. باید یادآور شویم که اکثر گروه‌های خوب تاتر این کشور، با کمک هزینه‌هایی که از بودجه دولتی پرداخت می‌شد، به اصطلاح سرپا بوده‌اند. از طرف دیگر، باید در نظر گرفت که به‌علت فرهنگ خاص اروپایی، که موضوعی مربوط به تاریخ و شرایط اجتماعی این قاره، برخورد مردم با تاتر چیزی است دور از تصور و تجربه تاتر ما. مثلا می‌بینیم بعضی از نمایش‌ها بیش از یک ربع قرن‌روی صحنه می‌ماند و یا اگر یک تاتر و یا یک گروه کوچک آماتور برای انتخاب هنرپیشه آپکی می‌کنند، صدها داوطلب مشتاق مراجعه می‌کنند. آیا با چنین اختلاف فاحشی در امکانات و شرایط می‌توان به‌راه‌حل‌های واحد و تقلیدی دلخوش کرد؟

در کشور ما، بعد از انقلاب بزرگی که باید در همه جوانب زندگی معنوی مردم ما تحولی ژرف‌دگرگونی همه‌جانبه بوجود آورد، نوسازی و دگرسازی هنر تاتر نمی‌تواند بر شالوده عقیدتی "خودکفایی مالی" تاتر استوار گردد. همین انقلابی ما نمی‌خواهد به بیراهه بر خار و پر گودال سرمایه‌داری برود و هنر وسیله پول‌اندوزی شود. اگر هم غرب‌زدگان ما، لیبرال‌های طرفدار "آزادی" هنر، و در واقع بی‌بندوباری آن، دلیل بیابردندگی اکثر تئاترهای حرفه‌ای لندن (اطراف

و وابسته به مردم و شیفته مردم، در تاتر لاله‌زاری نیز احیا شود. همه می‌دانند که در رژیم وابسته گذشته، برخی از روشنفکران، گاه به علت عدم توانایی در درک ارزشی مسائل، و گاه به سبب علائق طبقاتی، در دام فرهنگ تحمیلی سخی‌کننده و وابسته‌کننده سرمایه‌داری امپریالیستی می‌افتادند. به‌هنگم بررسی موضوع موردبحث، در افق آینده می‌توان این گروه از روشنفکران وابسته را، که آگاهانه در خدمت فرهنگ سرمایه‌داری و نظام طاغوت بودند، به کناری نهاد - آن‌ها دشمن انقلاب و انقلاب‌نازمد آن‌ها نیست. صحبت می‌تواند از گروهی باشد که سیستم گذشته آن‌ها را از شناخت درست مسائل دور می‌ساخت، آنها را از مردم و از خودشان و از هنر اصیل انسانی بیگانه می‌ساخت. برخی از اینان، متأسفانه، مسائل را اغلب با معیارهای جوامع سرمایه‌داری می‌سنجیدند و می‌سنجند. برخی دیگر از اینان، به علت عدم درک شرایط و برداشت نادرست از واقعیت اوضاع، به ذهن‌گرایی کشیده شده‌اند و هم‌اکنون نیز از افسوس‌های آن برکنار نیستند. در زمان حاضر، به علت محیط حاکم بر گذشته تاتر و زندگی هنرمندان و به‌علت نداشتن جهت درست فکری، خطر آن‌که بسیاری از آن‌ها در دام اندیشه‌های لیبرالی بی‌افتند و منافع عالییه انقلاب را درک نکنند و جای خود را در کنار خلق خود به فوریت و با قاطعیت نیابند، کم نیست.

در چارچوب و بر زمینه "همه" این مسائل است که باید مسئله خودکفایی مالی تاتر را ضرورت کمک مالی و فنی دولت را به تاتر مطرح ساخت.

حزب امریکائی «خلق مسلمان» فعالیت خود را در تبریز تشدید کرده است

همزمان با تدارک توطئه هفتم امپریالیسم امریکائی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و تشدید حملات ضد انقلاب داخلی، حزب امریکائی "خلق مسلمان" نیز فعالیت خود را در تبریز تشدید کرده است. این حزب فعالیت خود را در محلات فقیرنشین چون خیابان شمس تبریزی و کوی مجاهدین متمرکز کرده است. در این محلات "خلق مسلمان" به "علمانا بر دستا وردهای انقلاب و رهبر انقلاب" اهانته می‌کنند. بر اساس اطلاعات رسیده،

پیش از آنکه مردم انقلابی تبریز با تسلط ضد انقلابی حزب "خلق مسلمان" وارد هم بشکنند، سرمایه‌داران و بازرگانان وابسته به این حزب، اجناسی را که خود احتکار کرده بودند، برای کان و با قیمت‌نازل بین اهالی این مناطق پخش می‌کردند، اجناسی که (بودر، روغن نباتی، برنج و...) در محلات دیگر اطلاق نمی‌شد. آنها با این شیوه می‌کوشند یا یگانه‌سازی برای فعالیت‌های ضد انقلابی خود در این منطقه بدست آورند.

در حال حاضر وابستگان این حزب ضد انقلابی به اشکال مختلف در میان مردم تبلیغات ضد-انقلابی می‌کنند و می‌کوشند با اختلال در امور مختلف، از جمله تشکیل شوراها و کنترل و توزیع ارزاق توسط سازمان بسیج مستضعفین مردم رانسبت به انقلاب و رهبری آن سببین کنند. کار این حزب ضد انقلابی و عمال آن به جایی رسیده است که وقتی کارخانچه‌سرمایه‌دار فراری (از جمله کارخانه آردسازی شمس آذر) از طرف دادگاه انقلاب تبریز محاکمه شده، سرمایه‌داران

طاغوتی شهادت‌نامه به انتشار اعلامیه علیه آن کردند. در این اعلامیه که سرایبنا اهانته به نظام جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب بود، از مصادره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و تقسیم اراضی در روستاها بعنوان اقداماتی برخلاف "نص صریح قرآن و اسلام" نام برده شده است. ما توجه مقامات انقلابی و مسئول رابه این مساله جلب می‌کنیم و خواهان سرکوب قاطعانه عوامل این حزب امریکائی هستیم.



ماهیت و شیوه عمل صندوق بین المللی پول

مجلس شورای اسلامی ایران در جلسه روز سه شنبه ۹ دیماه ۵۹ خود، ماده واحده مربوط به افزایش سهم ایران از ۶۶۰ میلیون واحد حق برداشت مخصوص به ۱۰۲۵۰ میلیون واحد حق برداشت مخصوص در صندوق بین المللی پول را رد کرد.

این اقدام مجلس ضربه جدیدی است که از جانب انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ایران به سیستم جهانی غارت امپریالیستی وارد می آید. به منظور آگاهی بیشتر خوانندگان نامه «مردم» ما در زیر به تشریح ماهیت و شیوه عمل صندوق بین المللی پول می پردازیم:

صندوق بین المللی پول سازمان پولی - اعتباری دولتی است که هدف آن، ثبات مبادله بین المللی و تأمین توازن بازرگانی در بازار جهانی سرمایه داری است. صندوق عهده دار تنظیم روابط پولی بین دولت های عضو است و از طریق واگذاری اعتبارات کوتاه مدت به آنها، مشکلات ارزی را که در نتیجه اختلال در موازنه پرداخت های دولتی عضو بوجود می آید، مرتفع می سازد. صندوق بین المللی پول بنا به تصمیم کنفرانس مالی - پولی منعقد در برن ووتز (آمریکا) در سال ۱۹۴۴ میلادی (۱۳۲۳) ایجاد شد و فعالیت خود را از سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) آغاز کرد. تا سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) دولت به عضویت صندوق بین المللی پول درآمد داشته، مرکز اداری صندوق در واشنگتن، پایتخت ایالات متحده امریکاست.

در سرمایه گذاری صندوق بین المللی پول نقش عمده از آن محدودی دول امپریالیستی و در رأس آنها ایالات متحده امریکاست، بطوریکه هفت دولت عمده امپریالیستی: آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال، ژاپن، کانادا و ایتالیا بیش از نصف کل سرمایه صندوق را در اختیار دارند. در این میان آمریکا ۲۰ درصد سهام و همان میزان آراء صندوق را در اختیار دارد، که بوی امکان می دهد نقش انحصاری عمده ای را در تصمیمات مالی پولی صندوق ایفا کند. سهم کشور های در حال رشد در صندوق بین المللی پول، با اینکه قریب ۹۰ درصد اعضا را تشکیل می دهند، بسیار ناچیز است و حتی به ۱٪ کل سهام نیز نمی رسد.

صندوق بین المللی پول یک مکانیسم عظیم انحصاری مافوق دولتی در حیطه مناسبات مالی - پولی در جهان سرمایه داری است. صندوق عملاً وظیفه تمرکز منابع پولی از همه دول عضو، بویژه دول کشورهای در حال رشد را، بود عظیم ترین انحصارات امپریالیستی و دول

آنها انجام می دهد. از راه سلطه بر منابع پولی و ذخایر ارزی کشورهای عضو، صندوق بین المللی پول در تعیین سیاست اقتصادی این کشورها دخالت میکند و مخصوصاً کشورهای قرض گیرنده را به تابعیت سازمانهای مالی بین المللی امپریالیستی می کشاند. از این شبکه است که دول امپریالیستی و در رأس آنها آمریکا به حساب منابع مالی و پولی کشورهای فقیر اذتراق می کنند و فریه و فریبه تر می شوند.

در دوران فعالیت ۳۵ ساله صندوق بین المللی پول، ایالات متحده آمریکا بزرگترین نفع را از این سازمان مالی - پولی بین المللی بدست آورده است. دولت آمریکا بویژه با استفاده از نقش برتری خود در صندوق، سود تحکیم مواضع پول خود - دلار - و حفظ آن به عنوان عمده ترین ارز در جهان سرمایه داری وسیعاً کمک گرفته است. از این راه یخشی سهمی از بار سنگین تورم دلار به دوش کشورهای فقیر و در حال رشد تحمیل گردیده است.

یکی از مسائل برونج در روابط بین دول امپریالیستی و بین دول امپریالیستی و کشورهای جهان سوم، مشکلات گسرموازنه پرداخت است که در شرایط بحران مزمن سیستم مالی - پولی امپریالیسم، همچنان رو به گسترش می رود. تصمیمات متخذه صندوق بین المللی پول در رفع این مشکل همواره متوجه تأمین منابع دول امپریالیستی و نادیده انگاشتن منافع مالی - پولی دیگر کشورهای عضو بوده است.

صندوق بین المللی پول به منظور حل مسئله عدم موازنه پرداختها، سیستم واگذاری اعتبارات متقابل را، بر مبنای ایجاد واحد پولی مشروط یا «حق برداشت مخصوص» Special Drawing Right بکار گرفته است. «حق برداشت مخصوص» به عنوان وسیله احتیاطی در محاسبات بین المللی بکار گرفته شده و پیشکل یادداشت هایی در حسابهای مخصوص دول عضو در صندوق بین المللی پول نگاهداری میشود. «حق برداشت مخصوص» ابتدا با دلار برابری داشت. لیکن از اول ژوئیه ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) یعنی پس از کاهش ارزش دلار در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰)، این برابری تغییر یافت. از آن زمان ارزش «حق برداشت مخصوص» بطور غیر مستقیم بر مبنای برابری ارزهای کشورهای امپریالیستی (سبد ارزی) معین می گردد. چنانکه دیده می شود، تعیین «حق برداشت مخصوص» نیز بیانگر تأمین منافع کشورهای عضو

صندوق بین المللی نیست، بلکه نشانگر رقابت و زور آزمائی انحصارات و دول امپریالیستی بر سر دائره نفوذ است. از «حق برداشت مخصوص» به منظور تأمین موازنه در مبادلات بین المللی و پرداختهای ارزی دول عضو و محاسبات پولی - مالی بین آنها استفاده می شود. هدف ایجاد «حق برداشت مخصوص» سالم سازی سیستم پولی سرمایه داری و رفع بحرانهای ارزی بود. دول امپریالیستی بود. اما این اقدام نیز نتوانست مشکلات مالی - پولی دول امپریالیستی و جهان سرمایه داری را بر طرف سازد. از آنجا که «حق برداشت مخصوص» واحد پولی فاقد ارزش و تضمین واقعی است، بکاربردن آن، در شرایطی که حقوق اکثریت قاطع دول عضو در صندوق بین المللی پول بسود قلیلی دول امپریالیستی نقض میگردد، بجای رفع بحرانهای مالی - پولی، بر شدت آنها افزوده و می افزاید. یکی از نشانه های آشکار این بحران، ترازول اعتبار پول های دول امپریالیستی در مقیاس جهانی است.

تشدید بحران سیستم مالی - پولی در جهان سرمایه داری، نقش مداوم موازنه پرداختها، تغییر تناسب نیروها بین دول امپریالیستی در زمینه غارت ثروت و استثمار کشورهای در حال رشد، منازعات و برخورد های دول امپریالیستی را حاد و حادث می سازد. سیستم مالی - پولی که در برن ووتز پایه گذاری شده، عملاً از سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) موقوف شده و جای خود را به «فرخهای شناور» (یعنی نرخهایی که به تناسب عرضه و تقاضا در بازار جهان ارز نوسان پیدا می کند) داده است. لیکن «فرخهای شناور» نیز توانسته بحران مالی - پولی امپریالیسم را، که از ماهیت غارتگرانه و سلطه جویانه آن ناشی می شود، بر طرف سازد.

فعالیت صندوق بین المللی پول در شرایط سلطه ممدودی دول امپریالیستی، بسرکردگی آمریکا، بر این صندوق، توجه توسعه عرضه غارتگری سرمایه های انحصاری، ایجاد تورم در گردش پول و دامن زدن به تشنج در مناسبات مالی - پولی و تشدید غارت و وابستگی کمک گیرندگان از صندوق بسود دول قرض دهنده است. در تحلیل نهایی، صندوق بین المللی پول در شرایط کنونی، همان ماهیت بانکهای امپریالیستی را دارد. منافی با اینکه، این صندوق یک بانک مآوراء انحصاری جهانی است، که نقدینگی مختصر کشورهای عضو در حال رشد را نیز بسود منافع سرمایه های عظیم مالی امپریالیستی مورد بهره برداری قرار می دهد.

کمیته مالی به حزب سوده انقلاب کمک مالی است!
بمناسبت تولد بیروز ۲۰۰۰ ریال
اهدای زمزمیه، سکه بهار آزادی جمع آوری شده در جشن عروسی

ملاقاتندان می توانند کمک مالی خود را ب حساب بانکی به نام کمیته ملی شماره ۳۹۸۸ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیرادزنده

پشتیبانی رهبر یمن دمکراتیک از پیشنهادهای اتحاد شوروی برای تأمین صلح و امنیت در خلیج فارس

علی ناصر محمد، رهبر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، اعلام کرد که اقدام برای اجرای پیشنهاد اخیر اتحاد شوروی در مورد برقراری امنیت و عدم مداخله قدرتهای خارجی در خلیج فارس، اهمیت زیادی دارد.

علی ناصر محمد، خطاب به گروهی از افسران ارتش خلق گفت که ابتکارهای سازنده اتحاد شوروی، می تواند شالوده محکم صلح و امنیت در خلیج فارس قرار گیرد. بلکه آن دستبانی را هم که چنین افرادی را بر مسندهای حساس نشانده اند، شناخت. باید دید چه کسانی یک خلق عامل ساواک را به معاونت وزارت بازرگانی رسانده اند تا علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه کنند؟ چه دستبانی در کار بود که جلیل شرکات دوست و همکار هوشنگ انصاری را، پس از انقلاب، بر رأس بانک مرکزی نشانند، که امروز در خارج از کشور علیه انقلاب فعالیت می کند؟ کدام دست العالی را با آن سوابق، بر رأس بانک ملی قرارداد، که بیسپانه مأموریت از کشور گریخت. و سرانجام باید دید چه کسانی مرزها را برای گریز عناصر ضد انقلابی گشودند، باید سوابق کلیه مقامات، بویژه مقامات حساس کشوری و لشکری یادقت مورد رسیدگی قرار گیرد، تا روشن شود: که بوده اند و از کجا آمده اند؟ بر اساس این بررسی باید عناصر فاسد و مشکوک و عوامل دشمن را شناخت و از مقامات حساس کشوری و لشکری طرد کرد. باید از جمله دارندگان «کارت سبز» میان مقامات دولتی، از کار برکنار شوند. چنین افرادی مسلماً نمی توانند در خدمت انقلاب ضد - امپریالیستی و ضد آمریکائی ما باشند.

تقاضای «کارت سبز» کرد تا شهروند مفید آمریکایی باشد؛ و این شهروند مفید آمریکایی، چون صدور «کارت سبز» را دور و پیروزی انقلاب را نزدیک دیده، نقاب انقلابی بر چهره آورخت و خود را بر مسند وزارت کشاورزی انقلاب جای داد. زمانی هم که چهره واقعیاش قش شد و از مسند وزارت برکنار افتاد، عطای انقلاب را به نقاشی بخشید و راهی آمریکا شد تا شهروند مفید آمریکایی بودن را اثبات کند. همین یک نمونه، اگر هم نخواهیم بر عده ها و غرض ها و دستهای مرئی و نامرئی که در کار بوده اند، تکیه کنیم، چقدر بی اعتنائی نسبت به سر نوشت انقلاب، چقدر ساده دلی و خوش بازی می خواهد، تا راه بر چنین عناصری بگشاید.

ضرورت پاکسازی...

پیه از صفحه ۱
های ضد امپریالیستی یکی نیست و گوناگون است. ما در کشور خود گواه آن بودیم که، زمانیکه شاه ملون نتوانست انقلاب را سرکوب کند، اختیار یا سیمای «انقلابی» و شیوه عمل متفاوت با ساواک به صحنه آمد. وقتی که درایت امام خمینی، اختیار را نیز از صحنه خارج کرده، امپریالیسم عوامل دیگر خود را بنام عناصر «انقلابی» در رأس مقامات حساس انقلاب (نیزه) امیرانظام، مقدم مراغه ای، در یادار علوی، دریادار مدنی) نشانند، و زمانی که استاد چاسوسخانه بنمت آمد و این چهره های پلیده، بر نقاب شهنشه امپریالیسم از خورچین، مازهای خطرناک ریز و درشت سولی هنوز ناشناس - دیگری بیرون کشیده و بیجان انقلاب انداخته است. هرگز نباید رسوائی چندسره را بمنای پایان یافتن «خواب» امپریالیسم دانست. بهره های دیگر یا چهره های دیگر و شیوه های عمل دیگر... و همین ها هستند که آرام و خرنده در صفوف انقلاب رخنه میکنند و بر حسب ضرورت و تواناییهای خود انقلاب را به سوئی میکشند که امپریالیسم می خواهد.

امام خمینی در دیدار با هیئت تحریریه مجله سروش میگویند: شما میدانید که الان بجای که افراد دارنده مشغول فعالیت هستند، هر چه جانی پیدا شود،



جهان پهلوان تختی از یاد نمی رود

دیروز به مناسبت سالگرد شهادت جهان پهلوان تختی، ورزشکاری که جان خود را در مبارزه بر ضد رژیم خائن پهلوی از دست داد، مراسمی بر مزار وی برگزار شد.

تختی همواره الهام بخش همه ورزشکاران شریف و مین دوست ایرانیست. خاطره اش گرامی باد!

به خواستهای رانندگان اتوبوس یابل - آمل رسیدگی کنید

ساحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی یابل - آمل و حومه، طی نامه ای به فرماندار یابل، از نارسائیهایی موجود در توزیع روغن موتور اتوبوسها کله کرده و خواهان رسیدگی به این مسئله شده اند.

این بنگاه که یا ۵۵ دستگاه اتوبوس، در خطوط یابل - آمل و یابل - بندین فعالیت می کند و بیش از ۲۰۰ روستای بزرگ و کوچک را زیر پوشش خود دارد، از مدتی پیش با کمبود روغن ماشین مواجه است. کمبود روغن بحدی بود که رانندگان تصمیم به خواباندن اتوبوسها گرفتند، زیرا بدلیل نرسیدن روغن موتور، چند ماشین سوخت، ولی با حیثیاری مقامات مسئول، از جمله فرماندار یابل، و توزیع روغن در سطح شهر، از این عمل جلوگیری شد.

ساحبان اتوبوس و رانندگان بنگاه اتوبوسرانی یابل - آمل در نامه خود ضمن تأیید توزیع روغن توسط ستاد سوخت رسانی، به شیوه اجرای آن که باعث می شود روغن بجای لیتری ۵۰ ریال بقیمت ۲۵ ریال بدست آید، ایرادهای اعتراض دارند. آنها پیشنهاد کرده اند که برای حل این مشکل و گرفتن بهانه از دست ضدانقلاب، در کنار ستاد سوخت رسانی، شورائی از مسئولان بنگاههای مختلف اتوبوسرانی و مینی بوسرانی و رانندگان کامیون و مسئولین مربوطه بوجود آید، تا مشکلاتی را این نوع، بدست خود آنان حل شود.

آن که شیران را کند رویه خصال
لیبرال است، لیبرال است، لیبرال
خطر کمونیسم را هموقت و همجا سراغ کند و آن
را چماق کند و بر فرق خلاق نواز و طریق ایدئولوژی
هوار سازد.

و بورژوا لیبرال، جانوری است اهریمن خصال که
نیندیشد جز به جمع مال و گرد آوردن اموال، از هر محرام
و غیر حلال، با سرمایه دار وابسته در یک جوار و فرالواقع
سگ زردی است برادر شغال.

در ظاهر موجودی است قشنگ و شیک، و دوستدار
فرنگ و آمریکا، (همراه قافله، اما با دزد شریک).
جز از آزادی سخن نراند، و برای آزادی یقه درآورد،
و پستان به تنور چسباند، و اشک خسرت از مژه چکاند.
لیک از کلامدوژی، پشم زدن داند، و خود کامگی را آزادی
خواند.

سود و سرمایه اش بیش، و از بهر آن همواره در تشویش،
مرادش از آزادی، آزادی خویش، دشمن دهقان و کارگر و
پیشهور، و از حکومت مستضعفان آزوده و یکر، مسلمانان
به تبسب و ریش، نه به بهبود حال خلق پریش.

شوخی نیست...!

فریلون تنکابنی

اندر شناخت لیبرال و احوال وی

... و لیبرال، پروژن شیرمال، تاجری است با ترازوی
نامیزان، از انقلاب سرخورده و پشیمان، و از وضع روزگار
آزوده و پریشان.

رنگرزی است که حنایش رنگی ندارد، باز هر لحظه
تخم تیرنگی کارد و دام فریبی به میان آرد. گز اصفهانش
مخل سلامت و طلاب یزدش به دور از حلاوت.

سیاست راه، هر روز در قیام و قعود، و عبادت راه، هر شب
در رکوع و سجود، لکن بهر سود، لجویج و غنود، و سرمایه
هر دم در عروج و صعود.

برادری را بی برابری خواهد. بر تعارف افزاید و از مبلغ
کاهد. از بهر آزادی گریان و نالان، و از انقلاب بیستاک و
هراسان. برای آزادی اشک تمساح ریزد و با انقلابیون جسور
و گستاخ، نه شاخ به شاخ، بل موزیانه ستیزد.

از وحدت خلق بیزار است و پراکنده گی و دشمنی را
خواستار، تا با بی بر خر مراد سوار شود و بر سر خلق هوار
گردد.

هر دم تفرقه اندازد، و فرد حیل و تیرنگ یازد، و تخم
عداوت و کینه کارد، شاید آب رفته به جوی باز آرد.
بیت:

آن که شیران را کند رویه خصال
لیبرال است، لیبرال است، لیبرال
خطر کمونیسم را هموقت و همجا سراغ کند و آن
را چماق کند و بر فرق خلاق نواز و طریق ایدئولوژی
هوار سازد.

پنداشتی که مردم بیدار خسر کنی؟
بس کشته داد ملت ما بهر انقلاب
خواهی ز روی نفس شهیدان گذر کنی؟
مستضعفان به عرصه یکار بوده اند
مستکبری و خواهی کسب ثمر کنی؟
لولو ببرد آن مه راه، خوب گوش کن،
باید که پنهرا تو ز گوشت به در کنی!
مردم به لیبرال مجالس نمی دهند
هر چند گریه سر دهر و ناله سر کنی.
صدبار می کنند ترا خوار و متضع
تیرنگ و مکر و توطئه صدبار اگر کنی.
با جیب پر زبول برقتند سوی غرب
یاران، تو نیز به که خیال سفر کنی.
مردان لیبرال «بزرگی» فراری اند،
باید تو هم بجینی و فکر ددر کنی!

توسط نظامیانی که مستشاران آمریکائی آنها را رهبری می کنند: ۱۰ هزار نفر در سال گذشته در السالوادور کشته شدند

دائردسته نظامی حاکم بر السالوادور، با آغاز سال جدید مسیحی، به سرایان دستور
داده اند که روستاها را به آتش بکشند و زنان، کودکان و پیران را تیرباران کنند. در انجام
این دستورات، نظامیان عملیات سفاکانه خود را در سراسر السالوادور گسترش داده اند. یک
فرمانده نظامی گفت:

«تصامات رسمی آزادی عمل کامل به ما داده اند.»

این دستورات جدید برای سرکوب خلق السالوادور در حالی اجرا میشود که آمار خاکی
از این است که در سال گذشته بیشتر از ده هزار نفر در عملیات چنایتکارانه رژیم السالوادور،
که توسط مستشاران آمریکائی رهبری میشود، در السالوادور کشته شده اند.

ولی علیرغم گسترش دامنه جنایات رژیم السالوادور، انقلابیون این کشور در استانهای
مختلف به موفقیت های جدیدی دست می یابند و نظامیان را تارومار می کنند.

عربستان سعودی مامور تشکیل اتحاد نظامی در منطقه شده است

توطئه رژیمهای ارتجاعی عرب،
برهبری عربستان سعودی، برای
سرهم بندی کردن اتحاد نظامی
علیه رژیمهای انقلابی و جنبش
آزادی بخش منطقه هر روز بیشتر
برملا میشود.

«میدل ایست» چاپ لندن نوشت:
عربستان سعودی مامور سرهم
بندی کردن این اتحاد شده و
این کشور اکنون تلاش دارد با
کویت، قطر، امارات عرب متحده،
بحرین و عمان در این زمینه
بتوافق برسد. این کشورها همگی
از «دوستان» آمریکا و انگلیس
شمار میروند.

افزایش بودجه نظامی آلمان فدرال، تحت فشار امپریالیسم

صدر حزب کمونیست آلمان
(فدرال) در مقاله ای در روزنامه
«اوتور ستایت» به اثرات وحشتناک
ادامه مسابقه تبلیغاتی برای
اقتصاد کشور اشاره کرد. وی
در مقاله خود تأکید کرد که
پروژه های نظامی، چنان ابعادی
یافته است که حتی بودجه های
اختصاص یافته برای آنها، کافی
نیست.

صدر حزب کمونیست آلمان
تأکید کرد:
«افزایش بودجه نظامی، که
تحت فشار امپریالیسم آمریکا
صورت می گیرد، باعث کاهش
میزان بودجه مصارف اجتماعی
میشود.»



در شانزدهمین سال مبارزه خلق فلسطین با اشغالگران صیویست سازمان همبستگی آسیا و آفریقا حمایت خود را از خلق قهرمان فلسطین اعلام داشت.

سازمان همبستگی آسیا و آفریقا باز دیگر حمایت خود را از
مبارزه برحق خلق قهرمان فلسطین، برای احقاق حقوق خود، ابراز
داشت. این همبستگی در شانزدهمین سالگرد مبارزه فعال خلق فلسطین
علیه اشغالگران اسرائیلی بعمل آمده است. سازمان همبستگی آسیا
و آفریقا یادآور شد که فلسطین هشت اصله مسئله خاورمیانه است
و تا زمانیکه خلق فلسطین، حقوق حقه خود را بدست نیاورد، این
مسئله حل نخواهد شد.

تشدید فعالیت نیروهای ضد سوسیالیستی در لهستان برای ایجاد هرج و مرج

نیروهای ضد سوسیالیستی در لهستان با افزایش فعالیت خود
می کوشند بهر وسیله ای شده، در فعالیت حزب متحد کارگری لهستان
برای عادی کردن اوضاع کشور کارشکنی کنند.

این نیروها می کوشند تا سازمانهای اجتماعی را تحریک کنند
و با شعار تشکیل «اتحادیه همبستگی»، آنها را به سازمانهایی در مقابل
ارگانهای حکومتی لهستان مبدل سازند.

مخالف مخالف حزب متحد کارگری لهستان از مجاری «اتحادیه
همبستگی» خواسته های را مطرح میکنند که آشکارا جنبه برهم زدن
اوضاع را دارد و اجرای آن موجب تشدید وخامت اوضاع در لهستان
خواهد شد. این نیروها می کوشند با طرح خواسته هایی که در روند
تولید و قه ایجاد می کند، باعث ایجاد اشکالات بیشتری در تامین کالا-
های مورد نیاز مردم شوند و از این طریق اقتصاد کشور را به هرج و
مرج بکشانند. نیروهای مخالف میخواهند با استفاده از این وضع، به
هدفهای خرابکارانه خود برسند.

نلمه مردم از گان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۱۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

**NAMEH
MARDOM**
No. 414
8 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه
مردم و همه مقامات
دولتی و غیر دولتی میتوانند
به آدرس زیر با نامه مردم
مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۵۹، منطقه
۱۴ پستی تهران